



## Evaluation and Criticism of the Criminal Policy of the Islamic Republic of Iran Regarding the Return of Foreign Exchange Obtained from Exports

Seyyed Amir Hossein Emami<sup>1</sup>, Hossein Taji<sup>2\*</sup>, Hamidreza Mirzajani<sup>3</sup>

1. Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
2. Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
3. Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:91-108

Article history:

Received: 06 Jul 2025

Edition: 13 Sep 2025

Accepted:04 Nov 2025

Published online: 22 Jun 2026

#### Keywords:

Criminal Policy; Oil Contracts; Oil exports; Currency Repatriation.

#### Corresponding Author:

Hossein Taji

#### Address:

Iran, Mashhad, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Department of Criminal Law and Criminology.

#### Orchid Code:

0000-0003-3520-0259

#### Tel:

09155116875

#### Email:

h.taji1980@mshdiau.ac.ir

### ABSTRACT

**Background and Aims:** Prior to 2018, Iran's foreign exchange resources were largely stable due to oil sales, but subsequent sanctions significantly constrained the government's ability to manage the non-oil economy, highlighting the importance of repatriating export revenues. This study aims to evaluate and critique Iran's criminal policy regarding the repatriation of export-derived foreign currency and to analyze the strengths and weaknesses of related regulations.

**Materials and Methods:** This research is theoretical and its method is descriptive-analytical.

**Ethical Considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Findings:** The late role of the Islamic Consultative Assembly can also be criticized from various aspects, and it is necessary to reform the law in future amendments to make the criminal policy in this area more effective in terms of postponing the implementation of the law to the regulations, the inability to properly monitor the methods of returning foreign currency from exports, and granting exclusive authority to introduce violators to the working group.

**Conclusion:** The results of this research show that the regulations in this area are very dynamic and the government has the authority to change these regulations; however, this dynamism has prevented the development of adequate and effective enforcement guarantees for violators in this area.

#### Cite this article as:

Emami, A-H; Taji, H; Mirzajani, H. *Evaluation and Criticism of the Criminal Policy of the Islamic Republic of Iran Regarding the Return of Foreign Exchange Obtained from Exports*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵

### ارزیابی و نقد سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال بازگردانی ارز حاصل از صادرات

امیرحسین امامی<sup>۱</sup>، حسین تاجی<sup>۲\*</sup>، حمیدرضا میرزاجانی<sup>۳</sup>

۱. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۲. گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۳. گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** منابع ارزی ایران پیش از سال ۱۳۹۷ عمدتاً تحت تأثیر فروش نفت با بحران جدی مواجه نبود، اما تحریم‌های نفتی از سال ۱۳۹۷ توان دولت در مدیریت اقتصاد غیرنفتی را محدود کرده و اهمیت بازگردانی ارز حاصل از صادرات بیش از پیش آشکار شد. هدف این پژوهش، ارزیابی و نقد سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال بازگردانی ارز حاصل از صادرات و بررسی نقاط قوت و ضعف مقررات مربوطه است.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** نقش آفرینی دیرنگام مجلس شورای اسلامی نیز از جهات گوناگون قابل نقد بوده و لازم است در اصلاحات آتی قانون جهت کارآمدی سیاست جنایی این حوزه از حیث موکول نمودن اجرای قانون به آیین‌نامه، عدم امکان نظارت صحیح بر روش‌های بازگردانی ارز حاصل از صادرات و اعطای صلاحیت انحصاری معرفی متخلفین به کارگروه اصلاح گردد.

**نتیجه:** نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مقررات این حوزه بسیار پویاست و دولت اختیار تغییر این مقررات را دارد؛ لیکن این پویایی مانع تدوین ضمانت اجرای کافی و اثربخش برای متخلفین این حوزه شده است.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۱-۱۰۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

#### واژگان کلیدی:

سیاست جنایی؛ قراردادهای نفتی؛ صادرات نفت؛ بازگردانی ارز.

#### نویسنده مسئول:

حسین تاجی

آدرس پستی:

ایران، مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی.

تلفن:

09155116875

کد ارکید:

0000-0003-3520-0259

پست الکترونیک:

h.taji1980@mshdiau.ac.ir

## ۱. مقدمه

واژه «ارز» از مصدر «ارزیدن» به معنای بها، قیمت و ارزش گرفته شده و در اصطلاح اقتصادی، به پول‌های بیگانه‌ای اطلاق می‌شود که در قلمرو ملی مورد دادوستد قرار می‌گیرند. در مواردی نیز برای ایجاد تمایز با پول رایج داخلی، از تعبیر «ارز خارجی» استفاده می‌شود. بر اساس بند «پ» ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، ارز عبارت است از: «پول رایج کشورهای خارجی اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی که در مبادلات مالی کاربرد دارد». از منظر حقوق اقتصادی، ارز در تجارت خارجی نقش حیاتی و بنیادی ایفا می‌کند و می‌توان آن را به جریان خون در بدن تشبیه کرد؛ به نحوی که بدون آن، حیات تجاری یک کشور مختل می‌شود. از این رو، دولت‌ها به‌ویژه در شرایط بحران اقتصادی، همواره نسبت به جریان ورود و خروج ارز در کشور حساسیت مضاعفی نشان داده و آن را تحت نظارت قرار می‌دهند. در ایران، اتکای تاریخی به درآمدهای نفتی سبب شده بود که تا پیش از سال ۱۳۹۷، منابع ارزی کشور در اغلب مواقع با بحران جدی مواجه نشود و تنها در برهه‌هایی محدود، کمبود ارز به عنوان چالشی موقت مطرح گردد. با این حال، تشدید تحریم‌های نفتی از سال ۱۳۹۷ به بعد و ناتوانی دولت در فروش نفت، ضعف ساختاری اقتصاد غیرنفتی کشور را آشکارتر ساخت و دولت را بر آن داشت تا از سایر ظرفیت‌ها برای تأمین منابع ارزی بهره‌گیری. یکی از مهم‌ترین این ظرفیت‌ها، الزام صادرکنندگان به بازگردانی ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور بود.

هرچند این الزام در نگاه نخست می‌تواند به‌مثابه نوعی تبعیض نسبت به صادرکنندگان تلقی شود زیرا در معاملات داخلی چنین قیدی برای بازرگانان وجود ندارد؛ اما از منظر حقوق عمومی و عدالت اقتصادی، تفاوت بنیادینی میان فروش داخلی و صادرات وجود دارد. صادرکنندگان از مواد اولیه، انرژی یارانه‌ای و سایر امکاناتی که با اتکای به منابع ملی فراهم آمده‌اند بهره می‌برند؛ بنابراین منطقی است که ارز حاصل از فروش محصولات آنان نیز به کشور بازگردد تا منافع ناشی از استفاده از منابع ملی، بار دیگر در خدمت همان اقتصاد ملی قرار گیرد. در غیر این صورت، خروج کالا از کشور بدون بازگشت ارزش معادل آن، به تضعیف ذخایر ارزی و در نهایت به زیان منافع عمومی خواهد انجامید. علاوه بر این، الزام بازگردانی ارز حاصل از صادرات به معنای سلب مالکیت یا مصادره آن نیست، بلکه هدف اصلی، هدایت ارزها به مسیرهای رسمی و تضمین تزریق آن‌ها به چرخه اقتصاد ملی است. به عبارت دیگر، سیاست دولت نه محروم‌سازی صادرکنندگان، بلکه تقویت شریان‌های مالی کشور و جلوگیری از خروج بی‌ضابطه منابع است. از این منظر، بازگردانی ارز حاصل از صادرات را می‌توان یک تکلیف حقوقی مستمر دانست که حتی در شرایط وفور درآمدهای نفتی نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد؛ چرا که بی‌توجهی به این امر، اقتصاد ملی را در برابر تکانه‌های بین‌المللی آسیب‌پذیرتر می‌سازد. بر این اساس، پرسش بنیادین آن است که سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال الزام بازگردانی ارز حاصل از صادرات چه ویژگی‌ها و کارکردهایی دارد و این سیاست تا چه اندازه توانسته است به اهداف مورد نظر در زمینه شفافیت مالی، عدالت اقتصادی و مقابله با تخلفات

بازگردانی ارز حاصل از صادرات روشن گردد، سپس لازم است سیاست‌های حاکم بر ارز حاصل از صادرات از گذشته تا کنون مرور شده و در نهایت ضمانت اجرای این تخلف تبیین گردد.

## ۵-۱-۱. مبنای الزام صادرکنندگان به بازگردانی ارز حاصل از صادرات

در خصوص لزوم یا عدم لزوم بازگردانی ارز حاصل از صادرات دو رویکرد وجود دارد:

الف- مطابق رویکرد نخست، ارزش‌های حاصل از صادرات متعلق به صادرکننده بوده و دولت حق ندارد در خصوص نحوه هزینه‌کرد این ارزش‌ها دخالت نماید؛ در واقع دولت نهایتاً می‌تواند شرکت‌های متعلق به خود را در این زمینه الزام نماید و در خصوص بخش خصوصی چنین صلاحیتی ندارد. مبنای این دیدگاه، قاعده فقهی تسلیط، «الناس مسلطون علی اموالهم»، می‌باشد که مراد از قاعده آن تسلط و اختیار مالک برای هرگونه تصرف در اموال خویش می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۱۷، ۱۳۶). قاعده مزبور در فقه شیعه یک قاعده مسلم می‌باشد و اگرچه در کتب فقه‌های اهل تسنن به عنوان یک قاعده فقهی به آن تصریح نشده ولی برخی نویسندگان معتقدند که فقه‌های اهل سنت به مقتضای آن عمل کرده‌اند (الزحیلی، ۱۴۰۹، ۶۸۱). فقه‌های امامیه برای اثبات این قاعده به ادله چهارگانه (کتاب و سنت و عقل و اجماع) استناد نموده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶، ۲۱-۲۲).

مطابق قاعده فوق، صادرکنندگان نیز همانند سایر افراد جامعه حق دارند در خصوص عواید حاصل از صادرات خود تصمیم‌گیری نمایند و دولت حق ندارد آن‌ها را ملزم نماید ارزش‌های متعلق به خود را به نحو خاصی مصرف نموده و یا به افراد دیگر بفروشند، در واقع قاعده تسلطی در خصوص

ارزی دست یابد؟ بررسی این پرسش و تحلیل نقاط قوت و ضعف سیاست مزبور، محور اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

## ۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه نظری با روش توصیفی تحلیل می‌باشد. جهت گردآوری مطالب از ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است.

## ۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## ۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که نقش‌آفرینی دیر هنگام مجلس شورای اسلامی نیز از جهات گوناگون قابل نقد بوده و لازم است در اصلاحات آتی قانون جهت کارآمدی سیاست جنایی این حوزه از حیث موکول نمودن اجرای قانون به آیین‌نامه، عدم امکان نظارت صحیح بر روش‌های بازگردانی ارز حاصل از صادرات و اعطای صلاحیت انحصاری معرفی متخلفین به کارگروه اصلاح گردد.

## ۵. بحث

در این قسمت ابتدا سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال بازگردانی ارز حاصل از صادرات تحلیل می‌گردد و سپس تغییرات و تدابیر تکمیلی در حوزه سیاست جنایی در قبال ارزش‌های حاصل از صادرات مطرح می‌گردد.

## ۵-۱. تحلیل سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال بازگردانی ارز حاصل از صادرات

تحلیل سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال بازگردانی ارز حاصل از صادرات در گرو آن است که ابتدا مبنای الزام صادرکنندگان به

صادرکنندگان تخصیص نخورده و صادرکنندگان نیز مشمول عموم این قاعده هستند.

ب- رویکرد دوم معتقد است تولیدکنندگان داخلی که در زمان تولید به انحای مختلف از منابع کشور استفاده نموده‌اند و در امر تولید به روش‌های مختلف به آنان در زمینه انرژی و مواد اولیه یارانه تعلق گرفته است تا موفق به صادرات کالا شوند، موظف‌اند پس از صادرات کالا، ارزشهای به دست آمده را مطابق ضوابطی که دولت تعیین می‌کند صرف نموده به چرخه اقتصادی کشور بازگردانند.

این گروه در پاسخ به شبهه فقهی تعارض اقدامات دولت با قاعده تسلیط، استدلال‌هایی به شرح ذیل مطرح می‌نمایند:

۱- قاعده تسلیط یک حکم اولیه و ناظر به شرایط عادی و معمولی جامعه است؛ زمانی که یک مصلحت مهم‌تری نظیر برطرف کردن نیازهای کشور و جلوگیری از به هم ریختگی انتظام کشور وجود داشته باشد، باید مطابق مصلحت مهم‌تر عمل نمود. در واقع در موارد تراحم حقوق، ترجیح دادن حق اهم بر حق مهم یک اصل عقلی و عقلایی است که همه انسان‌ها و جوامع با هر دین و مسلک و مکتبی آن را مورد توجه قرار داده و به آن عمل می‌کنند (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۹، ۷۸).

همچنین برخی معتقدند: «ممکن است در زمان یا مکانی حکمی وجود داشته باشد؛ ولی با گذشت آن زمان یا تغییر آن مکان، عنوانی بر آن عارض شود که سبب تغییر حکم گردد. در مثال معروف «تحریم تنباکو» که به وسیله فقیه بزرگ اسلامی، میرزای شیرازی انجام گرفت ملاحظه می‌کنیم که در شرایط عادی استفاده از تنباکو به نظر این فقیه بزرگوار مجاز بود؛ ولی هنگامی که انحصار

آن به دست یک شرکت انگلیسی می‌افتد و آن را مقدمه‌ای برای سلطه اقتصادی بر یک کشور اسلامی قرار می‌دهد، مجاز بودن تحت‌الشعاع وجوب حفظ استقلال اقتصادی کشورهای اسلامی قرار می‌گیرد و حکم آن مبدل به تحریم می‌شود. این زمان می‌گذرد و بر اثر استقبال عظیم مردم از حکم آن فقیه، شرکت انگلیسی و حکومت وقت مجبور می‌شوند آن را منحل سازند و در شرایط جدید، همان فقیه حکم به اباحه و جواز می‌دهد، در واقع عناوین مهم که با تغییر زمان یا مکان به وجود می‌آید عناوین مهم را کنار می‌زند و حکم را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین در شرایط فعلی که آمریکا با تمام قدرت به حمایت از اسرائیل و ضربه زدن به کشورهای اسلامی برخاسته، بسیاری از فقهای اسلامی حکم به تحریم خرید و فروش مصنوعات آمریکایی داده‌اند، زیرا هدف مهم‌تری، عنوان اولی جواز را تحت‌الشعاع قرار داده است و اگر روزی اوضاع برگردد ممکن است این حکم نیز به تغییر شرایط، تغییر کند.» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۲۷۸-۲۷۹).

۲- قاعده حفظ نظام که یکی از فروعات قاعده اهم و مهم است نیز به عنوان مبنای دیگر این گروه قابل طرح است. قاعده حفظ نظام در دو معنی به کار رفته که معنای نخست حفظ نظام اسلامی در برابر دشمنان است و دیگری نگهداری آراستگی در درون جامعه اسلامی و به سامان کردن بین مردم و سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است. حفظ نظام به این معنی، در برابر از هم گسیختگی و هرج و مرج، به کار برده می‌شود (صمدزاده خامنه، ۱۴۰۱، ۶۷-۶۸).

۳- ممکن است گفته شود که دولت پیش از بروز اختلال در بازار صادرکنندگان را ملزم به بازگردانی ارزش حاصل از صادرات نموده و لذا

اقدامات وی با قواعد اهم و مهم و حفظ نظام تطابق ندارد، زیرا قواعد مزبور ناظر به تحقق مفسده بوده و برای مبارزه با آن به مصلحت اهم عمل می‌شود؛ لیکن در بحث حاضر اقدام دولت پیش‌دستانه بوده است و قبل از تحقق مفسده، اقدام به مقررہ گذاری نموده است.

در این خصوص می‌توان گفت در کتب فقهی چنین جمله‌ای به صورت متعدد و در مباحث مختلف نقل شده است: «دفع المنکر کرفعه واجب» (انصاری دزفولی، ۱۴۱۱، ۷۳؛ نجف‌آبادی، بی‌تا، ۳۷۶؛ تبریزی، ۱۴۱۳، ۹۴؛ قمی، بی‌تا، ۲۵۳)؛ برخی نویسندگان گفته‌اند، دفع منکر همانند رفع آن واجب است اگر مقدمات انجام آن از هر جهت فراهم باشد به نحوی که اگر نهی صورت نپذیرد فعل حرامی در خارج واقع شود (سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۶۵). تفاوت «رفع منکر» و «دفع منکر» در این است که در رفع منکر ابتدا باید منکری در عالم خارج محقق شود تا اقدام بتوان اقدام به رفع آن نمود و رفع شیء غیر موجود ممکن نیست؛ یعنی رفع منکر جنبه «پسینی» دارد البته از این جهت که مانع ادامه منکر می‌شود نسبت به آینده جنبه «پیشینی» دارد؛ اما در دفع منکر اساساً تلاش برای این است که منکری در عالم خارج محقق نشود و لذا چه بسا از رفع منکر دارای اهمیت بیشتری است.

تجهیز کشورها برای مقابله با تهدیدات تأکید دارد. این قاعده نه تنها در حوزه نظامی، بلکه در تمامی ابعاد قدرت ملی، از جمله اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، قابل تفسیر و اجرا است. در سیاست جنایی ایران، این قاعده به‌عنوان مبنای فقهی برای توسعه و تقویت ظرفیت‌های کشور در برابر جرایم اقتصادی و تهدیدات خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس این اصل، دولت موظف است با استفاده از تمامی امکانات و منابع موجود، از جمله تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، ارتقای سطح آگاهی عمومی، توسعه نظام قضائی و مقابله با فساد، به مقابله با جرایم اقتصادی بپردازد. برخی از پژوهشگران بر این باورند که سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی با چالش‌هایی مواجه است که از جمله آن می‌توان به عدم تبیین جامع و مانع از مفهوم و هدف جرایم اقتصادی، گستره پرونده‌ها، نحوه اتخاذ سیاست کیفری و میزان تناسب و اثربخشی آن اشاره نمود (مومنی، روح‌الامینی، ساعد، ۱۴۰۱، ۱۹).

در این راستا، استفاده از قاعده «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای تقویت انسجام و هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف اجرایی، قضائی و نظارتی در مقابله با جرایم اقتصادی و ارتقای امنیت اقتصادی کشور عمل کند.

ظاهراً قانون‌گذار و قوه مجریه در ایران از رویکرد دوم تبعیت نموده‌اند و در زمینه بازگردانی ارز حاصل از صادرات از دهه‌های قبل اقدام به مقررات گذاری نموده‌اند.

تعهد بازگردانی ارز حاصل از صادرات یک امر پویا بوده و در همه زمان‌ها و نسبت به همه کالاها وجود نداشته است بلکه یکی از سیاست‌های دولت است که در مواقع لزوم از آن استفاده می‌کند.

در بعد ایجابی، قاعده وجوب دفع منکر اقتضا دارد، اقدام مکلف به پیشگیری از ارتکاب منکر توسط سایرین واجب باشد. این جنبه از قاعده نسبت به جنبه سلبی، قرابت بیشتری با قاعده امر به معروف و نهی از منکر دارد.

همچنین، آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (سوره انفال، آیه ۶۰) یکی از اصول بنیادین در فقه اسلامی است که بر ضرورت آمادگی و

در بعد ایجابی، قاعده وجوب دفع منکر اقتضا دارد، اقدام مکلف به پیشگیری از ارتکاب منکر توسط سایرین واجب باشد. این جنبه از قاعده نسبت به جنبه سلبی، قرابت بیشتری با قاعده امر به معروف و نهی از منکر دارد.

همچنین، آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (سوره انفال، آیه ۶۰) یکی از اصول بنیادین در فقه اسلامی است که بر ضرورت آمادگی و

حاصل از فروش کالا در خارج از کشور را طی مدت معینی به کشور به طرق مشخص شده به چرخه اقتصادی کشور وارد نماید.

در این زمینه تا کنون مقررات پراکنده و ناهماهنگی در نظام حقوقی ایران به تصویب رسیده است. ماده پنج «قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران» مصوب ۱۳۳۶ مقرر می‌داشت: «صادرکنندگان مکلف‌اند در موقع صدور کالا تعهد ارزی بر اساس ارزیابی گمرک به بانک ملی ایران سپرده و ارز حاصل از صادرات خود را به ایران انتقال داده و با رعایت تبصره یک این ماده به بانک‌های مجاز بفروشند. بانک ملی ایران به خرید ارزهای مذکور و همچنین ارزهای قبل از صادرات مکلف و بانک‌های مجاز مختارند.» مطابق این قانون همه کالاهای صادراتی مشمول تعهد بازگردانی ارز حاصل از صادرات بودند. لیکن در دهه هفتاد این تعهد دستخوش دگرگونی گردید. ماده ۱۳ «قانون مقررات صادرات و واردات» مصوب ۱۳۷۲ مقرر می‌دارد: «کلیه کالاهای صادراتی کشور (به استثنای نفت خام و فرآورده‌های پایین‌دستی آن که تابع مقررات خاص خود است) از هر گونه تعهد یا پیمان ارزی معاف می‌باشند.» ماده ۲۶ آیین‌نامه این قانون مصوب ۱۳۷۳ نیز مقرر می‌دارد: «محصولات پایین‌دستی نفت شامل: نفت خام، نفت کوره، نفت سفید، گازوئیل و بنزین از لحاظ پیمان یا تعهد ارزی مشمول مقررات خاص خود می‌باشد. صادرات سایر فرآورده‌های حاصل از نفت و کلیه کالاهای دیگر از پیمان ارزی معاف خواهد بود.» روشن است که ماده ۱۳ این قانون، ناسخ جزئی ماده پنج قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران است و به‌جز موارد ذکرشده در این ماده، سایر کالاها از سپردن پیمان ارزی معاف

در کشور ایران به دلیل فروش بی رویه نفت در سالیان گذشته (پیش از سال ۱۳۹۷) اصولاً منابع ارزی کشور با مشکلی مواجه نبوده و جز برخی بحران‌های موقتی در سایر مواقع کمبود ارز برای تجارت خارجی وجود نداشته است. از سال ۱۳۹۷ به بعد و به دلیل تحریم‌های نفتی و عدم توان دولت برای فروش نفت، ناتوانی دولت در مدیریت اقتصاد غیرنفتی بیش از پیش خود را نشان داد و باعث شد که دولت به روش‌های دیگری برای تقویت منابع ارزی فکر کند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ارز حاصل از صادرات است.

با عنایت به توصیفات فوق، الزام بازگردانی ارز حاصل از صادرات به کشور یک الزام همیشگی است و این که دولت‌ها در برخی زمان‌ها با اتکا به منابع نفتی از نظارت بر این ارزها غفلت کرده‌اند باعث نمی‌شود اهمیت این موضوع منتفی گردد بلکه دولت‌ها لازم است حتی در مواقعی که درآمد نفتی کافی وجود دارد باز هم چرخه بازگشت ارز حاصل از صادرات را مدیریت نموده و از اتکا به درآمدهای نفتی کم کنند.

## ۵-۱-۲. سیاست‌های حاکم بر ارزهای حاصل از صادرات

اصولاً کشورهای در حال توسعه نظیر ایران رویکردی سخت‌گیرانه جهت جلوگیری از خروج ارز کشور و کاسته شدن از منابع ارزی دارند (فریدن، ۲۰۱۷، ۳۴) و لذا محدودیت‌هایی در این زمینه وضع وضع می‌نمایند و یکی از این محدودیت‌ها الزام بازرگانان به بازگردانی ارز حاصل از صادرات است.

تعهد انتقال ارز حاصل از صادرات به کشور را «پیمان ارزی» می‌نامند. این تعهد طبق سندی رسمی موسوم به «پیمان‌نامه ارزی» صورت می‌گیرد و طبق آن صادرکننده می‌پذیرد که ارز

مورخ ۹۲/۹/۱۲، به پیشنهاد بانک مرکزی به تصویب هیئت وزیران رسیده است.

### ۵-۳. مقررات لازم الاجرای فعلی در زمینه بازگردانی ارز حاصل از صادرات

پس از سال ۱۳۹۷ و بحران‌های ارزی پیاپی در کشور، مقررات متعددی از مراجع گوناگون در زمینه ارز حاصل از صادرات به تصویب رسید که مرور همه آنان بی‌فایده نیست.

در سال ۱۴۰۰، بسته سیاستی برگشت ارز حاصل از صادرات سال‌های ۱۳۹۷-۱۴۰۰ که در تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۱ به تصویب کمیته ماده (۲) مصوبه چهاردهمین جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی رسیده است.

توضیح آن که شورای عالی هماهنگی اقتصادی که ظاهراً مبنای قانونی مشخصی ندارد در چهاردهمین جلسه خود مورخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ مصوباتی داشته که در ماده ۲ آن چنین مقرر شده است: «در راستای تأمین ارز برای واردات کالا و خدمات، کمیته‌ای با مسئولیت بانک مرکزی و متشکل از رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر نفت و وزیر صنعت، معدن و تجارت، جهت برآورد درآمدهای ارزی ماهیانه کشور، اعم از صادرات خدمات و کالاهای نفتی و غیرنفتی، تشکیل می‌شود و میزان ارز قابل تأمین را جهت مدیریت ثبت سفارشات به وزارت صنعت، معدن و تجارت ابلاغ می‌نماید.»

اعضای این کمیته در تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۱ بسته سیاستی برگشت ارز حاصل از صادرات سال‌های ۱۳۹۷-۱۴۰۰ را تصویب نموده‌اند که در ابتدای این مصوبه آمده است: «در اجرای تبصره (۱) ذیل ماده (۱) مصوبات چهاردهمین جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی ابلاغی طی نامه شماره

است. به علاوه بند «ذ» تبصره ۲۹ «قانون بودجه کل کشور» در سال ۱۳۷۸ مقرر می‌دارد: «صدور صنایع‌دستی به‌استثنای فرش از سپردن پیمان ارزی معاف است.»

مطالعه مقررات این حوزه ما را به این نتیجه می‌رساند که به موجب قوانینی که بعد از قانون مقررات صادرات و واردات به تصویب رسیده‌اند، تعیین حدود و مقررات استفاده از ارز به دولت واگذار شده است و تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولت مبتنی بر این قوانین است. به عنوان نمونه ماده ۶ «قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز» مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می‌داشت: «حدود و مقررات استفاده از ارز را دولت تعیین می‌کند...» با توجه به این اختیار، هیئت‌وزیران در سال ۱۳۷۴ تصویب‌نامه‌ای با عنوان «الزام صادر کنندگان کالا و خدمات به سپردن تعهد برای برگرداندن ارز حاصل از صادرات و فروش آن به بانک‌های دولتی و تعیین نرخ ارز تا پایان سال ۱۳۷۴» به تصویب رساند.

با توجه به آنچه گذشت در حال حاضر نظر به آن‌که به موجب تبصره ۳ ماده ۷ «قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز» مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی: «دولت حدود و مقررات استفاده از ارز را تعیین می‌کند.» هیئت‌وزیران می‌تواند مقررات مربوط به پیمان ارزی را متناسب با شرایط جامعه تنظیم نماید.

آنچه در بالا بیان شد راجع به اختیار هیئت وزیران است، بانک مرکزی به تنهایی نمی‌تواند صادرکنندگان را مشمول سپردن پیمان ارزی نماید یا آن‌ها را معاف نماید، بلکه می‌تواند در این زمینه به هیئت وزیران پیشنهاد دهد، به عنوان نمونه تصویب‌نامه شماره ۱۴۷۲۶۵/ت/۴۹۸۶۷-هـ

#### ۵-۱-۴-۱. محرومیت از مشوق‌های صادراتی

از سال ۱۳۹۸ تا سال ۱۴۰۱ در چهار قانون بودجه سنواتی به ترتیب در بند ۲ از قسمت «ج» تبصره ۸ قانون بودجه ۱۳۹۸، بند ۲ از قسمت «ک» تبصره ۶ قانون بودجه ۱۳۹۹، بند ۷ از قسمت «ق» تبصره ۶ قانون بودجه ۱۴۰۰ و بند ۵ از قسمت «ع» تبصره ۶ قانون بودجه ۱۴۰۱ این حکم تکرار گردید که «برخورداری از معافیت‌های مالیاتی برای درآمدهای حاصل از صادرات کالاها و خدمات و هرگونه جایزه و مشوقهای صادراتی منوط به بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور است.»

این حکم در قانون بودجه ۱۴۰۲ تکرار نگردید که البته با توجه به پیش‌بینی تبصره ۶ ماده ۲ مکرر قانون قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۴۰۰/۱۱/۱۰، دیگر نیازی به پیش‌بینی حکم در قانون بودجه وجود ندارد و در واقع تکرار حکم مزبور در قانون بودجه ۱۴۰۱ نیز زاید بوده است.

مطابق ذیل تبصره ۶ ماده ۲ مکرر قانون قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، برخورداری از کلیه معافیت‌های مالیاتی برای درآمدهای حاصل از صادرات و هرگونه جایزه و مشوق‌های صادراتی به تناسب میزان ایفای تعهد موضوع این تبصره است. در ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره (۶) بند (ح) ماده (۲) مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۴۰۱/۰۸/۲۵ نیز بیان گردیده که «در اجرای تبصره (۶) بند (ح) ماه (۲) مکرر قانون، به استثنای مالیات بر ارزش افزوده، برخورداری از کلیه معافیت‌های مالیاتی و هرگونه جایزه و مشوق‌های صادراتی برای درآمدهای حاصل از صادرات (از سرزمین اصلی و مناطق آزاد تجاری - صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی)، متناسب با میزان ایفای تعهد ارزی صادراتی می‌باشد.»

۹۷۴۰۵ مورخ ۹۷/۷/۲۳، جلسه کمیته ماده (۲) در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۱ با حضور معاون رییس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، وزاری نفت، امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت و رئیس کل بانک مرکزی تشکیل و بسته سیاستی برگشت ارز حاصل از صادرات سال‌های ۱۴۰۰ - ۱۳۹۷ ... به تصویب رسید.»

اصلی‌ترین ایراد این مقررره آن است که کمیته موضوع ماده ۲ صلاحیت وضع این مقررات را ندارد؛ زیرا صرفنظر از این که شورای عالی هماهنگی اقتصادی صلاحیت وضع چنین مصوباتی را داشته است یا خیر باید گفت مطابق ماده ۱۱ مصوبات چهاردهمین جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی: «مدت اعتبار این مصوبه حداکثر یک سال از تاریخ تصویب خواهد بود.»؛ یعنی این مصوبات نهایتاً تا تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۰ اعتبار داشته‌اند و پس از آن فاقد اعتبار هستند؛ لذا مشخص نیست دولت چگونه با استناد به این مصوبه فاقد اعتبار مجدداً اقدام به وضع مقررات نموده است.

به هر حال صرفنظر از ایراد فوق، در حال حاضر مقررات حاکم بر ارز حاصل از صادرات در تبصره ۶ ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اصلاحات ۱۴۰۰ و آیین‌نامه اجرایی آن بیان شده است.

#### ۵-۱-۴. ضمانت اجرای عدم بازگردانی

##### ارز حاصل از صادرات

در قوانین و مقررات، ضمانت اجرای متعددی در خصوص عدم بازگردانی ارز حاصل از صادرات قابل بررسی است که در ادامه این ضمانت اجراها مطرح و قابلیت اعمال آن‌ها نسبت به این رفتار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۵-۴-۲. قاچاق ارز

همانطور که سابقاً بیان گردید، در بند ۱ از مصوبات چهاردهمین جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی مورخ ۱۳۹۷/۷/۱۰ مصوبه مقرر گردید «کلیه صادرکنندگان غیرنفتی موظفند حداکثر سه ماه بعد از صادرات، ارز حاصل از صادرات خود را در «سامانه نیما» عرضه کرده یا به ترتیبی که بانک مرکزی معین می‌کند، ارز حاصل از صادرات خود را به چرخه اقتصادی کشور برگردانند.»

در تبصره ۲ این بند نیز بیان گردید که با توجه به شرایط ویژه اقتصادی کشور، عدم رعایت این امر، با تشخیص و اعلام بانک مرکزی، در حکم قاچاق ارز محسوب شده و با متخلفین برخورد قضائی می‌شود.

تحلیل علمی مقرر فوق از حیث آن که آیا مقرر فوق حکم حکومتی است یا خیر و یا اینکه حکم حکومتی با توجه به اصل ۳۶ قانون اساسی می‌تواند مستند مجازات افراد باشد یا خیر ضرورتی ندارد؛ زیرا همانطور که بیان گردید مطابق بند ۱۱ این مصوبات: «مدت اعتبار این مصوبه حداکثر یک سال از تاریخ تصویب خواهد بود.» یعنی این مصوبات نهایتاً تا تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۰ اعتبار داشته و پس از آن نیز تمدید نشده است؛ لذا تحلیل مقرر موصوف فایده علمی و عملی خاصی ندارد.

لازم به ذکر است که نه در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز قبل از اصلاحات سال ۱۴۰۰ و نه پس از آن، صرف عدم بازگردانی ارز حاصل از صادرات مشمول تعریف قاچاق ارز قرار نمی‌گرفت؛ زیرا:

اولاً: عدم بازگردانی ارز حاصل از صادرات ارتباطی با ورود ارز به کشور، خرید و فروش ارز و نیز حواله ارز ندارد و تنها می‌توان ارتباط آن با خروج

ارز را بررسی نمود؛ با این توضیح که ممکن است برخی تصور نمایند که با توجه به اینکه قاعده‌گذاری در زمینه ارزی با حاکمیت است؛ لذا تمام دارایی‌های ارزی اتباع ایران جزء دارایی‌های ارزی کشور می‌باشد و از همین باب است که حاکمیت تجار را مکلف به بازگردانی ارز حاصل از صادرات نموده است؛ لذا عدم بازگردانی ارز حاصل از صادرات به منزله خروج ارز از دارایی‌های ارزی کشور بوده و مشمول «خروج ارز از کشور» محسوب و قاچاق تلقی می‌گردد؛ لیکن باید گفت هیچ نص قانونی در خصوص تعلق ارزهای تجار به حاکمیت وجود ندارد و بازگردانی ارز حاصل از صادرات یک تکلیف برای تاجر محسوب می‌گردد؛ نظیر موارد الزام به عرضه کالا برای جلوگیری از احتکار؛ به علاوه ارزهای حاصل از صادرات همگی در خارج از کشور هستند و چیزی که خارج از کشور باشد مجدداً نمی‌توان از کشور خارج نمود؛ لذا بحث عدم بازگردانی ارز حاصل از صادرات ارتباطی با خروج ارز از کشور ندارد.

ثانیاً: مؤید دیگری برای قاچاق ارز محسوب نشدن این رفتار آن است که حتی شورای عالی هماهنگی اقتصادی نیز این اقدام را «در حکم قاچاق ارز» دانسته بود نه قاچاق ارز.

ثالثاً: چنانچه این رفتار مشمول تعریف قاچاق ارز بود، لازم نبود مقنن در اصلاحات سال ۱۴۰۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در تبصره ۶ ماده ۲ مکرر، این رفتار را مستقل از قاچاق ارز جرم‌انگاری نماید.

موارد فوق، ناظر بر این است که صرف عدم بازگردانی ارز حاصل از صادرات قاچاق ارز نیست؛ لیکن چنانچه اقدامات دیگری در خصوص ارز حاصل از صادرات صورت پذیرد می‌تواند قاچاق ارز محسوب شود؛ مانند حالتی که ارز حاصل از

علاوه بر شرایط فوق، لازم است تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تأدیه آن به صورت باندى و تشکیلاتى صورت پذیرد و اقدام انفرادى یک شخص یا یک شرکت ولو در ابعاد وسیع نمى‌تواند مشمول این مقررہ قانونى گردد.

دوم: مطابق بند «الف» ماده ۱ قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادى کشور، یکى از مصادیق اخلال در نظام اقتصادى کشور عبارت است از «اخلال در نظام پولى یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلى و خارجى و امثال آن».

عبارت «امثال آن» در انتهای بند مزبور نشان مى‌دهد که مصادیق مذکور در بند «الف» تمثیلى بوده و اگرچه این مصادیق مبهم بوده (سیاه بیدى کرمانشاهى، سعید و همکاران، ۱۳۹۷، ۹۳) و ابهام در قانونگذاری امرى ناپسند است؛ لیکن به هر حال سایر مصادیق مشابه که با مصادیق این ماده مماثلت داشته باشند نیز مشمول بند مزبور هستند.

مماثلت اصولاً ناظر به مشابهت عنصر مادی جرایم است و با توجه به قرائن ذیل به نظر مى‌رسد که «عدم بازگردانى ارز حاصل از صادرات با قاچاق ارز مماثلت داشته و مشمول عبارت «امثال آن» مى‌باشد:

۱- موضوع هر دو جرم رفتارهایی در خصوص ارز است.

۲- قانونگذار عدم بازگردانى ارز حاصل از صادرات را در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و به عنوان تبصره‌ای ذیل ماده مربوط به قاچاق ارز جرم انگارى نموده است.

۳- سابقاً تبصره ۲ بند ۱ از مصوبات چهاردهمین جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادى مورخ

صادرات برخلاف مقررات به کشور وارد شود یا اینکه ارزها به جای فروش به صرافان مجاز به صرافان غیرمجاز فروخته شود و یا اینکه صرافى در زمان خرید ارزها، معامله خود را در سامانه مربوطه ثبت ننماید.

### ۱-۴-۳. اخلال در نظام اقتصادى کشور

تحقق اخلال در نظام اقتصادى کشور در خصوص عدم بازگردانى ارز حاصل از صادرات از دو جنبه قابل بررسى است:

نخست: مطابق بند «و» ماده ۱ قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادى کشور، یکى از مصادیق اخلال در نظام اقتصادى کشور عبارت است از «اقدام باندى و تشکیلاتى جهت اخلال در نظام صادراتى کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تأدیه آن و تقلب در قیمت‌گذاری کالاهای صادراتى و ...».

در این خصوص باید توجه نمود که مطابق ظاهر این بند، صرف عدم بازگردانى ارز حاصل از صادرات نمى‌تواند منجر به اخلال در نظام صادراتى شود، بلکه لازم است در هنگام سپردن پیمان ارزی یا هنگام تأدیه آن (بازگردانى ارز حاصل از صادرات) تقلب صورت گرفته باشد. مصادیق تقلب در پیمان‌سپارى ارزی را مى‌توان تقلب در اعلام نوع، تعداد و قیمت کالای صادراتى دانست، به‌نحوى که اظهارنامه شخص که بر اساس آن پیمان ارزی منعقد مى‌شود، مشتمل بر اطلاعات خلاف واقع باشد (ساکى، ۱۳۹۰، ۴۹۰). تقلب در تأدیه پیمان ارزی را نیز مى‌توان ناظر به موردی دانست که شخص بدون بازگردانى ارز حاصل از صادرات از طریق اسناد جعلى یا خلاف واقع، وانمود مى‌نماید که ارز را به چرخه اقتصادى کشور بازگردانده است.

رسیدگی به علت قوه قاهره (حادثه خارجی غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل دفع) باشد، محکومیت موضوع این تبصره‌ها اعمال نمی‌شود

آیین‌نامه اجرائی این تبصره شامل مواردی از قبیل مهلت رفع تعهد که بیش از یک سال نیست و شرایط تمدید آن تا حداکثر سه ماه، موارد مشمول معافیت تا سقف سی هزار (۳۰،۰۰۰) یورو یا معادل آن به سایر ارزها در سال و معافیت کالای موضوع ماده (۶۵) قانون امور گمرکی، میزان تعهد که کمتر از شصت درصد (۶۰٪) ارزش ارزی صادرات نیست، اولویت‌بندی و نحوه انتخاب یک یا ترکیبی از روش‌های رفع تعهد و تعیین سامانه‌های اجرائی این تبصره، توسط بانک مرکزی با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه و ظرف یک ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد. در هر صورت، برخورداری از کلیه معافیت‌های مالیاتی برای درآمدهای حاصل از صادرات و هرگونه جایزه و مشوق‌های صادراتی به تناسب میزان ایفای تعهد موضوع این تبصره است. اعمال محدودیت‌های موضوع این تبصره تا ابتدای سال بعد از زمانی که ارزش سالانه صادرات غیرنفتی طبق اعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت، به بیش از یک ممیز هشتم (۱/۸) برابر ارزش سالانه واردات کشور برسد، قابل اجراء است.»

## ۲-۵. تغییرات و تدابیر تکمیلی در حوزه سیاست جنایی در قبال ارزهای حاصل از صادرات

سیاست ایران در زمینه بازگردانی ارز حاصل از صادرات بسیار متشتت و فاقد انسجام بوده است و حتی پس از بحران ارزی سال ۱۳۹۷ و نیاز شدید کشور به بازگردانی ارز حاصل از صادرات، مقررگذاری صحیحی در این زمینه صورت

۱۳۹۷/۷/۱۰ عدم بازگردانی ارز حاصل از صادرات را «در حکم قاچاق ارز» دانسته بود.

۴- همانطور که ارتکاب قاچاق ارز نظیر قاچاق ارز خروجی می‌تواند باعث محدودیت در منابع ارزی و اخلال در نظام ارزی شود، عدم بازگردانی ارز حاصل از صادرات نیز می‌تواند نتیجه مشابهی را ایجاد نماید.

## ۵-۴-۱- مجازات خاص عدم بازگردانی ارز حاصل از صادرات

همانطور که سابقاً بیان گردید در اصلاحات قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۴۰۰، در تبصره ۶ ماده ۲ مکرر مقرر گردید «کلیه صادرکنندگان کالا به خارج از کشور موظفند ارز مندرج در پروانه گمرکی یا معادل ارزی آن به سایر ارزها را به بانک مرکزی بفروشند و یا با تأیید بانک مرکزی نسبت به فروش آن به سایر اشخاص اقدام یا جهت تأمین ارز واردات کالای خود یا بازپرداخت بدهی تسهیلات ارزی استفاده نمایند. متخلف علاوه بر الزام به ایفای تعهد موضوع تخلف، به جریمه نقدی معادل یک‌پنجم موضوع تخلف و دو یا چند مورد از محرومیت‌های موضوع ماده (۶۹) این قانون محکوم می‌شود. در صورت عدم ایفای تعهد ظرف سه ماه از زمان ابلاغ حکم قطعی، معادل ارزش تعهد بر اساس بالاترین نرخ اعلامی بانک مرکزی در زمان صدور حکم، به جریمه نقدی مرتکب افزوده می‌شود. تخلف موضوع این تبصره صرفاً در مواردی که ارزش موضوع تخلف بیشتر از سه میلیون (۳،۰۰۰،۰۰۰) یورو یا معادل آن به سایر ارزها باشد، می‌تواند با تحقق شرایط مربوط، مشمول عناوین سازمان‌یافته و حرفه‌ای موضوع این قانون قرار گیرد. در صورتی که عدم رفع تعهد موضوع این تبصره و تبصره‌های (۵) و (۷) با تشخیص مرجع

نپذیرفت و به بیان مقررات پراکنده‌ای در مصوبات دولت که عمده‌تاً فاقد ضمانت‌اجرای مؤثر بودند اکتفا گردید و مجلس شورای اسلامی بسیار دیر هنگام و در مقرر مبهم به این موضوع ورود نموده و پس از چند سال از زمان شروع بحران‌های ارزی در اصلاحات سال ۱۴۰۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در تبصره ۶ ماده ۲ مکرر مقرر نمود: «کلیه صادرکنندگان کالا به خارج از کشور موظفند ارز مندرج در پروانه گمرکی یا معادل ارزی آن به سایر ارزها را به بانک مرکزی بفرشند و یا با تأیید بانک مرکزی نسبت به فروش آن به سایر اشخاص اقدام یا جهت تأمین ارز واردات کالای خود یا بازپرداخت بدهی تسهیلات ارزی استفاده نمایند. متخلف علاوه بر الزام به ایفای تعهد موضوع تخلف، به جریمه نقدی معادل یک‌پنجم موضوع تخلف و دو یا چند مورد از محرومیت‌های موضوع ماده (۶۹) این قانون محکوم می‌شود. در صورت عدم ایفای تعهد ظرف سه ماه از زمان ابلاغ حکم قطعی، معادل ارزش تعهد بر اساس بالاترین نرخ اعلامی بانک مرکزی در زمان صدور حکم، به جریمه نقدی مرتکب افزوده می‌شود. تخلف موضوع این تبصره صرفاً در مواردی که ارزش موضوع تخلف بیشتر از سه میلیون (۳,۰۰۰,۰۰۰) یورو یا معادل آن به سایر ارزها باشد، می‌تواند با تحقق شرایط مربوط، مشمول عناوین سازمان‌یافته و حرفه‌ای موضوع این قانون قرار گیرد. در صورتی که عدم رفع تعهد موضوع این تبصره و تبصره‌های (۵) و (۷) با تشخیص مرجع رسیدگی به علت قوه قاهره (حادثه خارجی غیرقابل پیش‌بینی و غیر قابل دفع) باشد، محکومیت موضوع این تبصره‌ها اعمال نمی‌شود. آیین‌نامه اجرائی این تبصره شامل مواردی از قبیل مهلت رفع تعهد که بیش از یک

سال نیست و شرایط تمدید آن تا حداکثر سه ماه، موارد مشمول معافیت تا سقف سی‌هزار (۳۰,۰۰۰) یورو یا معادل آن به سایر ارزها در سال و معافیت کالای موضوع ماده (۶۵) قانون امور گمرکی، میزان تعهد که کمتر از شصت درصد (۶۰٪) ارزش ارزی صادرات نیست، اولویت‌بندی و نحوه انتخاب یک یا ترکیبی از روش‌های رفع تعهد و تعیین سامانه‌های اجرائی این تبصره، توسط بانک مرکزی با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت تهیه و ظرف یک ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد. در هر صورت، برخورداری از کلیه معافیت‌های مالیاتی برای درآمدهای حاصل از صادرات و هرگونه جایزه و مشوق‌های صادراتی به تناسب میزان ایفای تعهد موضوع این تبصره است. اعمال محدودیت‌های موضوع این تبصره تا ابتدای سال بعد از زمانی که ارزش سالانه صادرات غیرنفتی طبق اعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت، به بیش از یک ممیز هشت‌دهم (۱/۸) برابر ارزش سالانه واردات کشور برسد، قابل اجراء است.»

تبصره فوق در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ در مجلس تصویب و در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده و در تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۰ در روزنامه رسمی منتشر و در تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۰۵ لازم‌الاجرا شده است؛ لذا مطابق قانون دولت موظف بوده یک ماه پس از لازم الاجرا شدن قانون یعنی نهایتاً تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۵ آیین‌نامه اجرائی قانون را تصویب نماید؛ زیرا اجرای قانون مزبور موکول به تصویب آیین‌نامه شده و عملاً بدون تصویب آیین‌نامه، تصویب قانون نیز فایده‌ای در پی ندارد. با این حال تصویب آیین‌نامه، ماه‌ها به طول انجامید و هیئت وزیران در جلسه مورخ

لازم نبود مجدداً اجرای قانون را منوط به اراده دولت نماید.

مضافاً به اینکه مجدداً گویی بخشی از عنصر مادی این جرم به آیین‌نامه واگذار شده است و جرم انگاری مبتنی بر آیین‌نامه برخلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات بوده مورد انتقاد اندیشمندان حقوق کیفری است (شاکری، ۱۳۹۲، ۱۴۷؛ صفاری و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۵۷).

## ۵-۲-۲. عدم امکان نظارت صحیح بر روش‌های بازگردانی ارز حاصل از صادرات

در بند ۱۳ ماده ۱ آیین‌نامه روش‌های متعددی برای بازگردانی ارز حاصل از صادرات در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از: الف - فروش ارز به صورت حواله در سامانه نیما؛ ب - واردات در مقابل صادرات خود؛ پ - واگذاری ارز حاصل از صادرات به دیگران جهت واردات؛ ت - تهاتر کالا به کالا؛ ث - فروش ارز به صورت اسکناس به بانک مرکزی و مؤسسه اعتباری و صرافی؛ ج - بازپرداخت تسهیلات ارزی اعطایی

روش‌های فوق‌الذکر اگرچه در راستای ایجاد تسهیلات برای صادرکنندگان می‌باشد؛ لیکن زمانی کارآمد است که بتوان بر آن به نحو صحیحی نظارت نمود؛ در حال حاضر چنانچه یک شرکت که متعهد است ارز حاصل از صادرات را بازگرداند، در صورت عدم تمایل به این امر می‌تواند ارز خود را مطابق بند «پ» به یکی از شرکت‌های مرتبط و وابسته به خود واگذار نماید و عملاً مهلت بیشتری ارز را نزد خود نگه داشته و آن را بازگرداند و در موقع واردات توسط شرکت وابسته نیز با توجه به آنچه سابقاً بیان گردید امکان رفع تعهد به روش‌های صوری توسط شرکت وابسته فراهم است، لذا قانون‌گذار لازم است روش‌هایی که

«آیین‌نامه اجرایی تبصره ۶ بند ح ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز» را تصویب و مجدداً با تاخیر نامتعارف، طی نامه شماره ۱۷۰۶۲۳ در تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۵ توسط معاون اول رییس‌جمهور ابلاغ شد که با توجه به تبصره ۲ تصویب‌نامه مورخ ۱۳۶۶/۰۴/۲۴: «مصوباتی که علاوه بر دستگاه‌های اجرایی و کارکنان آن برای سایر مردم حق و تکلیف ایجاد می‌نماید ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجراست.»

سیر مقررگذار فوق‌الذکر نشان می‌دهد که از زمان احساس نیاز به قانون‌گذاری یعنی اوایل سال ۱۳۹۷ تا زمان اجرایی شدن قانون، اواخر ۱۴۰۱ یک سیر زمان‌بر و فاقد کارایی است و مجلس شورای اسلامی در این زمینه بسیار ضعیف و دیرهنگام نقش‌آفرینی نموده است.

صرفنظر از موارد فوق، همین نقش‌آفرینی دیرهنگام مجلس از جهات گوناگون قابل نقد بوده و لازم است در اصلاحات آتی قانون جهت کارآمدی سیاست جنایی این حوزه موارد زیر اصلاح گردد:

## ۵-۲-۱. موکول نمودن اجرای قانون به آیین‌نامه

با توجه به ورود دیرهنگام مجلس به موضوع ارز حاصل از صادرات، ضرورتی نداشت که اجرای قانون موکول به تصویب آیین‌نامه اجرایی شود؛ زیرا عملکرد دولت از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ به روشنی گویای آن بود که دولت عزم جدی در زمینه سامان‌دهی ارز حاصل از صادرات ندارد و این موضوع در زمینه تصویب آیین‌نامه اجرایی نیز به روشنی نشان داده شد؛ لذا مجلس فرصت کافی برای جرم‌انگاری روشن در این زمینه را داشته و

امکان نظارت بر آنها را ندارد حذف نموده و صرفاً روش‌های قابل نظارت را نگه دارد.

### ۵-۲-۳. اعطای صلاحیت انحصاری

#### معرفی متخلفین به کارگروه

مطابق ماده ۳ آیین‌نامه، صرفاً کارگروه صلاحیت دارد که متخلف را به قوه قضائیه معرفی نماید، این امر عملاً بدین معنی است که هر شخصی که کارگروه صلاح بداند برای مجازات به قوه قضائیه معرفی می‌شود و روش روشنی برای نظارت بر اقدامات کارگروه نیز تبیین نشده است؛ لذا لازم است این صلاحیت انحصاری مرتفع شده و به سایر دستگاه‌های نظارتی نیز امکان اعلام تخلف داده شود.

#### ۶. نتیجه

فرآیند این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال بازگردانی ارزش حاصل از صادرات، هم در حوزه مبانی فقهی و هم در عرصه حقوقی و اجرایی با چالش‌های نظری و عملی متعددی مواجه است.

الف. از منظر فقهی، دو رویکرد اصلی در خصوص لزوم یا عدم لزوم بازگردانی ارزش حاصل از صادرات قابل شناسایی است. رویکرد نخست، با استناد به قاعده فقهی تسلیط، صادرکنندگان را در زمره مالکانی می‌داند که همانند سایر شهروندان، حق تصمیم‌گیری آزادانه نسبت به عواید مالی خویش دارند و دولت مجاز به الزام آنان در مصرف یا فروش ارزشهایشان نیست. در مقابل، رویکرد دوم بر مبنای قواعد فقهی اهم و مهم، قاعده حفظ نظام و اصل وجوب دفع منکر قبل از تحقق، بازگردانی ارزش را تکلیفی حقوقی و اجتماعی می‌داند. استدلال این رویکرد آن است که صادرکنندگان در فرآیند تولید از منابع ملی، انرژی یارانه‌ای و سایر حمایت‌های دولتی بهره‌مند شده‌اند و بنابراین

مکلف‌اند منافع حاصل از صادرات را نیز در خدمت اقتصاد ملی قرار دهند. به نظر می‌رسد قانون‌گذار و قوه مجریه در ایران در عمل از این رویکرد دوم تبعیت کرده و با تصویب مقررات مختلف، بازگردانی ارزش صادراتی را به عنوان یک تکلیف الزام‌آور در نظام حقوقی تثبیت نموده‌اند.

ب. از منظر حقوقی، بررسی قوانین نشان می‌دهد که در جمهوری اسلامی ایران اختیارات گسترده‌ای در زمینه سیاست‌گذاری ارزی به دولت اعطا شده است. قوانینی همچون قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون پولی و بانکی کشور و قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، بستر حقوقی لازم برای مداخله دولت در نحوه استفاده از ارزش را فراهم آورده‌اند. با این حال، پیچیدگی‌های این حوزه سبب می‌شود که هر خطای تقنینی یا اجرایی، آثار عمیقی بر معیشت شهروندان و ثبات اقتصادی کشور بر جای گذارد. از همین رو، سیاست‌های ارزی در ایران را می‌توان در سه حوزه اصلی دسته‌بندی کرد: سیاست‌های مربوط به تخصیص ارزش برای واردات، سیاست‌های ناظر بر بازگردانی ارزش حاصل از صادرات، و سیاست‌های حاکم بر معاملات ارزی داخلی.

ج. در حوزه ارزش‌های صادراتی، یکی از مهم‌ترین معضلات، فقدان انسجام تقنینی و پراکندگی مقررات است. مقررات متعددی در این زمینه به تصویب رسیده‌اند، اما بسیاری از آنها از ضمانت اجرای کافی برخوردار نبوده و در عمل کارآمدی لازم را نداشته‌اند. ورود دیر هنگام مجلس شورای اسلامی به این موضوع و اصلاحات مبهم قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۴۰۰ به‌ویژه در تبصره ۶ ماده ۲ مکرر نمونه‌ای از این کاستی‌هاست. این تأخیر و ابهام قانونی موجب شده است که نظارت مؤثر بر بازگردانی ارزش

**۷. سهم نویسندگان**

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

**۸. تضاد منافع**

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

صادراتی با مشکل مواجه گردد و بخش عمده‌ای از مسئولیت به آیین‌نامه‌های اجرایی و کارگروه‌های تخصصی واگذار شود؛ امری که خود استقلال تقنینی را کاهش داده و شفافیت و پاسخ‌گویی را مخدوش می‌سازد.

بر این اساس، اصلاح سیاست جنایی در این حوزه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بازنگری در مقررات پراکنده، تقویت ضمانت اجراهای قانونی، محدود کردن ارجاع‌های غیرضروری به آیین‌نامه‌ها و ایجاد سازوکارهای نظارتی شفاف، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به افزایش کارآمدی و مشروعیت سیاست‌های ارزی کمک کند. تنها با چنین اصلاحاتی است که می‌توان انتظار داشت الزام بازگردانی ارز حاصل از صادرات به عنوان یک سیاست جنایی اقتصادی، ضمن رعایت موازین فقهی و اصول حقوق عمومی، در خدمت توسعه اقتصادی پایدار و حمایت از منافع ملی قرار گیرد.

منابع

منابع فارسی

- مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۴،  
۱۳۹۲.
- ۱ - الزحیلی، وهبه مصطفی، الفقه الاسلامیه و ادلته، ج ۶، دار الفکر، سوریه-دمشق، ۱۴۰۹.
- ۲ - انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب، ج ۱، منشورات دار الذخائر، قم - ایران، اول، ۱۴۱۱.
- ۳ - تبریزی، راضی بن محمد حسین نجفی، تحلیل الکلام فی فقه الإسلام، امیر قلم، تهران - ایران، اول، ۱۴۱۳.
- ۴ - ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۰.
- ۵ - سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحکام، ج ۱۵، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله، قم - ایران، چهارم، ۱۴۱۳.
- ۶ - سیاه بییدی کرمانشاهی، سعید و همکاران، حقوق کیفری اقتصادی (جرایم و تخلفات مالیاتی - اخلال در نظام اقتصادی کشور - قاچاق ارز و تخلفات ارزی - پولشویی)، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۷.
- ۷ - شاکری ابوالحسن، فتحی مرتضی، از اصل قانونمندی حقوق کیفری تا آئین نامه ای شدن آن؛ بررسی آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی ۱۳۸۸، فصلنامه
- ۸ - صمدزاده خامنه، یاقوتی، ابراهیم، نقیعی، ابوالقاسم، مناسبات حفظ مصلحت نظام و حفظ جان با رویکردی به دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای فقه، شماره هفتم، ۱۴۰۱.
- ۹ - صفاری، علی، لکی، زینب، صابری، راضیه، تنزل جایگاه اصل قانونمندی کیفری در پرتو آیین نامه ای شدن رکن قانونی جرایم، فصلنامه حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۵، ۱۴۰۰.
- ۱۰ - قمی، سید صادق حسینی روحانی، المسائل المستحدثه، بی تا.
- ۱۱ - مصطفوی، محمد کاظم، القواعد: مائۀ قاعده فقهیه معنی و مدرکا و موردا، ج ۱، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۷.
- ۱۲ - مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، ج ۲، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، ۱۴۱۶.
- ۱۳ - مکارم شیرازی، ناصر، دائره المعارف فقه مقارن، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۴۲۷.
- ۱۴ - منتظری نجف آبادی، حسین علی، مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر، ارغوان دانش، قم، ۱۴۲۹.
- ۱۵ - نجف آبادی، حسین علی منتظری، مجمع الفوائد، قم - ایران، اول، بی تا.

- مومنی، هادی، روح‌الامینی، محمود، ساعد، محمدجعفر. (۱۴۰۱). سیاست جنایی ایران در جرایم اقتصادی. فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ۴(۲)، ۱۹-۳۸.

#### منابع لاتین

- Frieden, Jeffry, Currency Politics in the Developing World, Harvard International Review, 2017.

